

روزه؛ تجلی اراده اصیل مومن

اسلام احکام متنوعی دارد، برخی از احکام اسلام جنبه ایجابی دارند، در این میان روزه که حکمی دینی است که در واقع تجلی اراده اصیل مومن است.



اسلام احکام متنوعی دارد، برخی از احکام اسلام جنبه ایجابی دارند، در این میان روزه که حکمی دینی است که در واقع تجلی اراده اصیل مومن است.

یک ماه از سال را مؤمنان به روزه اختصاص می‌دهند؛ روزه در سرشت خود حکمی دینی است که در آن مومن در واقع به دستورات تن در می‌دهد، اما با نگاهی به محتوای این حکم دینی خبر از نوعی روش برای تقویت اراده می‌دهد که در آن اراده توسط خویش محدود می‌شود.

ایمان و شریعت

پس از مرحله ایمان شریعت آغاز می‌شود. به بیان دیگر فردی که دین خاصی دارد، پیشتر به حقایق آن دین ایمان آورده است. بدون ایمان آوردن تبعیت به شریعت بی‌معنا و بی‌نتیجه خواهد بود؛ معنی ندارد فردی بدون ایمان به توحید، معاد و نبوت شریعت اسلامی را عمل کند.

شریعت عنصری از تعیین دینی است. وقتی فردی ایمان می‌آورد عنصری درونی می‌یابد که محصول یقین و پذیرشی درونی است. مومن به یک حقیقت در درون و ذهن خود پذیرفته که چیزی درست است، اما بدون محدودیت و حضور عنصر بیرونی و معلول ایمان، چه تصویری از آن می‌توان داشت، فرض کنید فردی ایمان دارد اما این ایمان که امری ذهنی است در حیات فرد بی‌تاثیر است، آیا بود و نبود ایمان تاثیری بر حیات او داشت؟ امری الهی خود ادامه ایمان است.

شریعت تجسم عینی ایمان است. مؤمن به اسلام به احکام شریعت باید پایبند باشد و الا بی‌معنی است که کسی ایمان داشته باشد و هیچ یک از اعمال را به جای نیاورد. شریعت هویت و ظرف حقیقت ایمان است. پس از ایمان به اصول دین با عمل به شریعت مومن از غیر مومن متمایز می‌شود، با نفی شریعت ایمان از امری محدود و متعین به امری نامحدود و نامتعین و کمرنگ مبدل می‌شود.

اراده در عمل به شریعی بدل به اراده ایمانی می‌شود، اراده که ذاتا آزاد است در بندگی خداوند باید در راستای عمل به دستورات الهی باشد. مومن با اراده خویش خود را تعین می‌بخشد اما همین اراده نیز باید ساخته و پرداخته شود تا بتواند در خدمت عمل به شریعت قرار بگیرد.

عبادت و ایجاب

هر یک از ابعاد شریعت خود ماهیت نفی کننده دارد، به این معنا که با انجام شریعت عملی بر عملی دیگر ترجیح داده می‌شود و امری غیرشرعی نفی می‌شود. جهان‌بینی توحیدی خود نفی جهان‌بینی شرک است؛ فرد متدین با حیات دینی خود در حال وضع خویش و نفی مقابل خویش است.

از منظری هر شریعتی نوعی ایجاب است. فرد در عمل شرعی مکلف و موظف است. وی نمی‌تواند بنا به اراده خویش عملی دینی را انجام ندهد، زیرا وی از پیش پذیرفته است که باید دینی عمل کند. از این رو دستورات خداوند از آن رو که دستورهایی برای عمل هستند ایجابیند. اراده دینی یا شرعی از این رو اراده‌ای ایجابی است، اراده‌ای که کارهایی را باید انجام دهد.

روزه و نفی جهان مادی

روزه جهان مادی را نفی می‌کند، در ماه رمضان میل به مجرد موج می‌زند، مومن در حین زندگی در ماواری امر مادی است. هنگام روزه‌داری توسط دو حد افطار و سحر محدود شده است و زمان به دو قسمت تقسیم می‌شود که اگر یک بخش آن مومن به اختیار خود است، در بخش دیگر به نفی اختیار خود می‌پردازد. گویی نفی خویشتن باید سخن اول را در این عبادت بزند.

از سویی روزه‌دار نمی‌خورد و نمی‌آشامد، در حالی که موجود طبیعی نیازهایی طبیعی داشته و باید آن‌ها را برآورد. انسان با اراده به نخوردن از نیازهای طبیعی خود را رها می‌کند. نفی طبیعت زمینی به مدد اعتقاد به حقیقتی آسمانی است. فرد با عمل به حکم روزه خود را مستقل از طبیعت و ماده می‌کند. این جهان مادی نیست که او را تعیین می‌کند، بلکه این خداست که به مثابه موجودی غیرطبیعی، زندگی او را شکل می‌دهد. روزه، حضور ماوراء در جهان طبیعی از طریق نفی آن است.

اراده معمولا برای خواستن است. ما در اراده کردن کار و یا چیزی را اراده می‌کنیم، همه افعال انسان نشان‌دهنده این بعد از وجود ماست که در آن ما به دنبال چیزی دیگر هستیم. خواستن نشان‌دهنده اراده است، ما در خواستن است که خود را به بیرون از خویش گسترش می‌دهیم و با جهان پیرامون خودمان مرتبط می‌شویم. انسان بی‌خواسته در درون خود می‌ماند.

روزه ظهور اراده اصیل

با روزه مومن اراده را تقویت می‌کند، اراده آنقدر قوی می‌شود که می‌تواند بر علیه خویش عمل کند. مفهوم خودداری و تقوا زاینده چنین اراده‌ای است، اراده‌ای که بر علیه خواستن، عمل و خویش توان یافته است؛ مومن از این رو صاحب اراده‌ای اصیل است. هدف مومن در زندگی دنیا نیست، این از آن روست که او به جهان وابسته نبوده و هر اراده‌ای که کرده است برای رضای خداوند بوده است.

اراده مادی به دنبال هدفی مادی است. انسان با اراده خود حیات مادی خود را تعیین می‌کند، دنیا در این حد مد نظر دین هم هستم. دین اگرچه انسان را به دنیاگریزی نمی‌خواند بلکه با روحیه‌ای آخرت‌گرایانه او را به سوی هدف و غایت بالاتر جهان سوق می‌دهد که همانا سعادت اخروی است.

روزه تحقق چنین اراده و مجهز شدن اراده الهی است که در آن انسان از وابسته بودن به دنیا آزاد می‌شود و می‌تواند به تمامه در خدمت اجرای شریعت باشد. اگر بدون اراده نمی‌توان کاری کرد، بی‌شک بدون اراده انجام روزه نیز نمی‌توان کار دین را پیش برد.